

بسم الله الرحمن الرحيم!

اهمیت جهاد و رباط

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«مَنْ خَيْرِ مَعَاشِ النَّاسِ لَهُمْ، رَجُلٌ مُمْسِكٌ عِنَانَ فَرَسِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، يَطِيرُ عَلَى مَتْنِهِ، كُلَّمَا سَمِعَ هَيْعَةً أَوْ فَرْعَةً طَارَ عَلَيْهِ يَبْتَغِي الْقَتْلَ وَالْمَوْتَ مِثْلَهُ أَوْ رَجُلٌ فِي غُنَيْمَةٍ فِي رَأْسِ شَعْفَةٍ مِنْ هَذَا الشَّعْفِ، أَوْ بَطْنٍ وَادٍ مِنَ الْأَوْدِيَةِ، يُقِيمُ الصَّلَاةَ، وَيُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَيَعْبُدُ رَبَّهُ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْيَقِينُ، لَيْسَ مِنَ النَّاسِ إِلَّا فِي خَيْرٍ» (رواه المسلم في كتاب الإمارة)

ترجمه: از نمونه‌های بهترین وسائل کسب برای مردم مردی است که زمام اسب خود را در راه خدا گرفته و هر وقت که صدای جنگ را بشنود، خود را بر پشت اسبش انداخته، کشتن یا مرگ را در جاهایی که گمانش بخیر می‌رود، می‌طلبد. یا مردی است با گوسفندانی چند، بر قلعه‌ی کوهی، یا در میان دره‌ای از دره‌ها، که نماز را برپا داشته و زکات را می‌دهد، و تا مادامی که مرگش در رسد خدایش را عبادت و پرستش می‌کند و به کاری از کارهای مردم کاری ندارد، جز در امور خیر.

علماء رباط را چنین بیان کرده‌اند: رباط عبارت از مقاومت نمودن در مرزهای اسلام جهت مقابله با کفر، به خاطر اعزاز دین و دفع خطر دشمنان می‌باشد. مراد از ثغر: "مکانی است که پشت سر آن اسلام نباشد."

و ابن حجر در فتح الباری فرموده است: «رباط عبارت از ملازمت مکانی است میان مسلمین و کفار، به خاطر حراست مسلمین از شر کفار؛ لذا مرابطون به مثابه‌ی حراست‌کنندگان از حدود بلاد اسلامی از هجوم دشمنان می‌باشند؛ پس از این که ثغر یا حدود و مرض‌های مقابل دشمن بسیار پرخوف و خطر می‌باشد؛ بناءً مرابطت در چنین موقع از فضل و اجر عظیمی برخوردار است.»

برادران مسلمان!

وقتی که انسان حیات و نفس خود را در راه الله سبحانه و تعالی نذر می‌کند، هیچ مانع و بازدارنده‌ای وی را از حرکت باز نمی‌دارد که این همه دلالت به مبادرت و سرعت و همت عالی مجاهد دارد.

وی مانند پروازکننده در راه الله سبحانه و تعالی بوده که تکلیف را مفید و غنیمت می‌داند؛ نه تاوان و ضرر را. از تکلیف فرار نمی‌کند؛ بلکه آن را طلب می‌کند، همیشه منتظر یکی از دو حُسن می‌باشد یا نصرت و یا شهادت؛ لذا وی این را درک کرده است که رباط آن است که هر لحظه دشمن بداند که آماده و مستعد هستی تا هیبت و ترس را در هر لحظه‌ای در دل دشمن بیندازی و دشمن بداند که تو غافل نیستی؛ لذا این استعداد تام و کامل تنها مربوط به آماده کردن اسب نبوده؛ بلکه قوت مادی و فکری را نیز شامل می‌شود.

مسلمان عزت‌مند، عزت خود را در اسلام جستجو می‌کند، همیشه بر دفاع از سرزمین‌های اسلامی بیدار می‌باشد. هرگز به پستی تن نداده و ذلت را نمی‌پذیرد، آوردن امن و امان را در همه اقطار عالم می‌خواهد، روح، مال و وقت خود را بذل می‌کند، از مرگ در راه الله باکی ندارد و این را درک کرده است که دنیا دنی است و یقیناً که یک روز در رباط بهتر از کل حیات انسان است.

ابن قیم جوزی (رح) گفته است: «کسی که اجر آخرت برایش پراهمیت باشد، تکالیف دنیا برایش خفیف و آسان می‌باشد و کسی که کمال پاداش آخرت را می‌خواهد، جدائی و دوری زندگانی دنیا برایش آسان است. وقتی مردم به واسطه‌ی دنیا خود را غنی دانستند، تو به نصرت و حمایت الله خود را غنی بدان، هرگاه مردم خوشی خود را با دنیا می‌دیدند تو خوشی خود را با قرب الله بدان و هرگاه دیگران با ملاء (مطرفئین) انس‌شان بود تو با الله انس داشته باش.»

بعضی از مردم در مورد جهاد چنین فهم کرده‌اند که گویا مسلمانان به خاطر زیادت ثروت و تصرف شهرها یا هزینه کردن اموال، خون‌ریزی‌ها را دوست دارند و ملت‌ها را به قتل می‌رسانند. درحالی‌که اگر ما به تاریخ مؤرخین منصف و مسلمان مراجعه کنیم بدون شک مثال‌های روشنی مانند آفتاب خواهیم یافت. یکی از نمونه‌های آن می‌تواند کارنامه‌ای ابو عبیده قائد جیش (قوماندان لشکر) مسلمین باشد: «که قبل از جنگ یرموک جزیه اهل حُمص را که نتوانست در برابر لشکر روم از آن‌ها دفاع کند را دو باره به آنان اعاده نمود.»

هم‌چنان زمانی‌که سمرقند فتح شد لشکر مسلمین قبل از آن‌که اسلام را بر آن‌ها عرضه کنند با آن‌ها جنگیده بودند، دوباره از آن مناطق مفتوحه خارج شدند، خلاصه در نهایت امر، جهاد به هدف آن است که اقوام و امت‌ها را از ظلام و تاریک‌های کفر و جهل نجات و به سوی نور و هدایت رهیاب گرداند.

ای لشکریان محمدی صلی‌الله‌علیه‌وسلم و دوستان پیامبر! و ای انصار دین اسلام! ای جویوش امت اسلامی!

دشمنان اسلام در هر وقت و هر لحظه‌ای از فرصت‌ها، شکست و نابودی مسلمانان را انتظار می‌برند و لحظه شماری می‌کنند. هجوم بر اسلام را از بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم تا امروز معطل نکرده‌اند. اما بالمقابل مسلمانان همیشه این هجوم را با ملازمت و رباط خود جواب دندان شکن داده‌اند. لذا این همه ابتکار را لشکر قوی مسلمین به عهده داشته؛ پس رابطه بین رباط و صبر رابطه ناگسستنی‌ای است از جهت حبس نفس در جهت حق و به خاطر رسیدن به رضایت الله سبحانه‌وتعالی؛ بناءً امور جهاد به اتمام نمی‌رسد؛ مگر با صبر و استقامت و در صورت مقاومت دشمن، حالت مرابطه در مقابل سنگر دشمن ایجاب می‌کند.

بدین لحاظ در کتاب مؤطاء چنین روایت شده است: «عبدالله بن عمر رضی الله تعالی عنهما فرمود: الله متعال جهاد را به خاطر ریختاندن خون مشرکین فرض گردانیده و رباط را به خاطر صیانت خون مسلمین» و فرمود: «صیانت خون‌های مسلمین نزد من محبوب‌تر از ریختاندن خون‌های مشرکین است.»

پس ای مجاهدین اسلام و ای محافظین عقیده اسلامی!

بدانید! کیست که به امر پروردگار و به خاطر نصرت دینش با خلیفه‌ای بیعت کند که تحقق بهره‌داری و رفتن به جهاد در راه الله نصیب‌اش گردد؟ چنان‌چه ابوهریره رضی الله تعالی عنه فرمود: «هرآئینه رباط یک شب در راه الله سبحانه‌وتعالی محبوب‌تر از سپری نمودن شب لیلۃ‌القدر در جوار سنگ حجرالاسود است.»

عبدالله بن مبارک در منطقه‌ی طرسوس در حال رباط (بهره‌داری) بود به فضیل بن عیاض فرمود:

«ای کسی که در حرم (مکه و مدینه) به عبادت ایستاده‌ای؛ اگر حال ما را ببینی خود می‌دانی که عبادت را به بازی گرفته‌ای.»

اگر کسی چهره‌اش به آب دیده‌اش تر شده باشد؛ پس گلوهای ما به خون ما رنگین است، هستند کسانی که اسپه‌های‌شان در راه باطل در تلاش است؛ لیکن اسپه‌های ما در سپیده دم صبح در راه خدا در تلاش‌اند.

بارالها! نصرت را نصیب ما گردان و دشمن را خوار و زبون گردان. بارالها! صبر را نصیب ما بگردان و قدم‌های ما را ثابت نگه‌دار و تسلط برکافران را نصیب ما فرما!